

# امام حسن علیه السلام؛ الگوی بزرگ جهاد تبیین

۲

به همت بنیاد کرامت رضوی و همزمان با ولادت کریم اهل بیت علیهم السلام انجام شد

## حمایت کریمانه از محرومان

همزمان با سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع)، بنیاد کرامت رضوی طرح کریمانه «امام رؤف» برای حمایت از محرومان حاشیه شهر مشهد را آغاز کرد. به گزارش آستان نیوز، در ماه مبارک رمضان امسال نیز به همت معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی و خادمان فعال کانون‌های خدمت و با مشارکت مجموعه‌های خدمت‌رسان در حرم مطهر رضوی، چند ویژه‌برنامه با محوریت دست‌گیری ...



ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال دوم | ویژه نامه ۳۱۲

موضوعه | آیت‌الله جاودان

### چرا یوسف در آن لغزشگاه خیلی بزرگ نلغزید؟



### روایت‌هایی از سیره اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام

### پیشنهاد تشکیل اتحادیه اماکن متبرکه شیعه

### با محوریت ایران و عراق

با مشارکت آستان قدس رضوی و بخش خصوصی انجام می‌شود

### تولید دانش‌بنیان باتری‌های پیشرفته

### رونمایی از سامانه طرح ملی حفظ عمومی قرآن کریم

## نگاهی به تدابیر امام مجتبی علیه السلام برای شکست خدعه‌های امویان

### قهرمانانه‌ترین نرمش تاریخ

رسمیت نشناختن حکومت وی انجام داد. به عنوان نمونه، هنگامی که تصمیم گرفت از کوفه به سمت مدینه حرکت کند، از معاویه به وی پیغام رسید که خوب است قبل از رفتن به مدینه، فرماندهی سپاهی را بپذیرد و به جنگ خوارج برود. پاسخ آن حضرت به درخواست معاویه، بسیار زیرکانه و دقیق بود: «ما برای این تن به صلح دادیم که دیگر خون مسلمانان ریخته نشود». عدم پذیرش درخواست معاویه، به شیعیان و همه مسلمانان نشان داد آنچه موجب پذیرش صلح از سوی امام حسن (ع) شد، ناشی از تغییر موضع آن حضرت نسبت به حکومت امویان نبود، بلکه در پی کاهلی و سستی جبهه خودی و عدم همراهی مردم عراق با امام (ع)، رقم خورد و آن حضرت، به ناچار تن به این مسئله داده‌است. رویکرد دیگر امام مجتبی (ع) در مسیر جهاد تبیین، تلاش برای بیدار کردن ذهن شیعیان خاص و افرادی بود که در میان

ذهن مسلمانان، ضرورت داشت.

#### ■ روش‌های تبیینی امام مجتبی (ع)

امام (ع) در مسیر «جهاد تبیین» از چند روش مختلف بهره برد. نخستین گام در مسیر جهاد تبیین، گنجاندن بندهایی در متن صلح‌نامه با معاویه بود؛ مفادی مانند به خلافت رسیدن امام حسن یا امام حسین (ع) بعد از مرگ معاویه، خودداری حکومت اموی از سب امیرمؤمنان (ع) و حفظ جان و مال شیعیان و افرادی که در رکاب امام علی (ع) و امام مجتبی (ع) جنگیده و شمشیر زده‌بودند. معاویه، بلافاصله بعد از انعقاد صلح و در سفری که به کوفه داشت، رسماً اعلام کرد: «من برای نماز و روزه با شما نمی‌جنگیم. هدف من، حکومت بر شما بود. آگاه باشید عهدنامه‌ای که با حسن بستم، اینک زیر پای من است!». با شکسته شدن عهدنامه از سوی

#### ■ محمدحسین نیکبخت | دوران

امامت حضرت امام حسن (ع) دورانی سخت، خاص و ویژه در تاریخ تشیع است؛ عصری که در آن، امام (ع) و مؤمنان، از یک سو با خدعه‌ها و نیرنگ‌های فریبکاری همچون معاویه روبه‌رو بودند و از سوی دیگر، جریان نفاق در میان جبهه حق چنان رخنه کرده بود که کار انسجام قوا و ایستادگی نظامی در برابر جبهه باطل، هر روز سخت‌تر می‌شد. در مظلومیت امام مجتبی (ع) همین بس که برخی از نزدیک‌ترین سرداران ایشان مانند عبدالله بن عباس، خود را به ۷۰ هزار درهم فروختند و به نیروهای دشمن پیوستند. در حالی که امام (ع) مردم کوفه را به جهاد علیه شامیان فرا می‌خواند و آن‌ها را میان جهاد با عزت و تسلیم با ذلت می‌مخیر می‌کرد، کوفیان بر طبل خستگی و وادادگی می‌کوفتند و با بهانه‌های مختلف، از همراهی امام مجتبی (ع) خودداری می‌کردند.

#### ■ نیاز شیعیان به «جهاد تبیین»

هرچند که شیعیان و دوستانداران امام مجتبی (ع) در اقلیت بودند، اما همچنان شیعیان دلسوخته متعددی در اطراف آن حضرت حضور داشت و اصولاً یکی از دلایل پذیرش صلح، نجات جان همین اقلیت مؤمن بود. با این حال، بسیاری از آن‌ها دلیل اصلی صلح را نمی‌دانستند. همین امر سبب شد سؤال بزرگی در ذهن آن‌ها ایجاد شود و حتی لب به اعتراض بگشایند. این اعتراضات از همان زمان انعقاد صلح آغاز شد و تا چند سال بعد هم، ادامه یافت. مورخان در این مدت، نام برخی از شیعیان را در کوفه و مدینه ذکر کرده‌اند که در برابر امام مجتبی (ع) به مخالفت و اعتراض برخاستند و ماجرای صلح را یک شکست قطعی تلقی کردند؛ افرادی مانند حجر بن عدی، قیس بن سعد، سلیمان بن صرد خزاعی، مالک بن ضمیره، جابر بن عبدالله انصاری، محمد بن بشر همدانی و عدی بن حاتم طایی. بنابراین، مسئولیت امام (ع) برای تبیین ماجرای پیش آمده و نجات دادن مؤمنان از گرداب شبهات که بیم آن می‌رفت هر لحظه در آن غرق شوند، بسیار سنگین و البته، دشوار بود. از طرف دیگر، تبیین دلایل صلح و نیز تلاش برای رسوا کردن حکومت معاویه و امویان، بخش دیگری از جهاد تبیین امام مجتبی (ع) را تشکیل می‌داد؛ رویکردی که برای آشکار کردن حقیقت در جامعه و بیدار کردن



تصاویر از مجموعه تلویزیونی «تبیین‌ترین سوره»

امام (ع) در مسیر «جهاد تبیین» از چند روش مختلف بهره برد. نخستین گام در مسیر جهاد تبیین، گنجاندن بندهایی در متن صلح‌نامه با معاویه بود؛ مفادی مانند به خلافت رسیدن امام حسن یا امام حسین (ع) بعد از مرگ معاویه، خودداری حکومت اموی از سب امیرمؤمنان (ع) و...

معاویه، امام حسن (ع) این فرصت طلایی را بدست آورد و با وجود رفتارهای تبلیغاتی و پیچیده معاویه که امر را بر بسیاری از مسلمانان مشتبه کرده بود، ماهیت اصلی حکومت اموی را برملا سازد و این مسئله، نقش مهمی در بیداری عموم مسلمانان داشت. از سوی دیگر، امام (ع) در مسیر «جهاد تبیین»، اقدامات عملی و مهم دیگری را نیز برای نشان دادن موضع خود نسبت به معاویه و همچنین، اعلام به

جماعت شیعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. در این عرصه، گفت‌وگوهای علنی و سری بسیاری انجام گرفت. افرادی مانند حجر بن عدی، در خلال همین گفت‌وگوها به اصل ماجرا پی بردند و شک و شبهه خود را برطرف ساختند و این امر، نقش بسیار مهمی در تداوم فعالیت شیعیان خاص و تقویت جایگاه جبهه حق داشت که بعدها و در جریان قیام‌های متعدد علیه حکومت جائر اموی، نمود پیدا کرد.

## دعا شرح صدر



**حجت‌الاسلام دکتر خیابان** **اللهم ازرقتنی** **فیه طاعة الخاشعین** **واشرح فیه صدری** **باناية** **المختبین** **بأمانک یا امان الخائفین** **خدایا در این روز طاعت بندگان خاشع خودت را نصیب من کن و شرح صدری عنایت کن که منشأ توبه و اتابه حقیقی باشد.**

درخواست نخست ما در دعای روز پانزدهم رمضان، این است که خدا «طاعت بندگان خاشع» را نصیب و روزی ما کند. ما دو عنوان «خضوع» و «خشوع» را در اصطلاح معنوی داریم. خضوع، حالت فروتنی و انکسار بیرونی و ظاهری در رفتار انسان است. مثلاً خضوع در مقابل پدر و مادر که انسان حالت محبت و مهربانی به خود می‌گیرد و با زبان نرم و اطاعت ویژه برخورد می‌کند.

اما گاهی خشوع است که نوعی فروتنی قلبی و درونی محسوب می‌شود. یعنی آنچه که در ظاهر دیده می‌شود ناشی از یک خشوع قلبی و طاعت خدا اگر از روی خشوع و حضور قلب نباشد و انسان در درون نسبت به آن یک عقیده محکمی نداشته باشد، مقبول درگاه خداوند نخواهد بود که بماند، تأثیرگذاری لازم را هم نخواهد داشت.

«الذین هم فی صلاتهم خاشعون» یعنی مؤمنان در درون خود حس تواضع و اینکه در مقابل چه کسی هستند را درک کرده و می‌دانند که چه کسی در حال صحبت و عبادت هستند. دومین درخواست ما در این روز شرح صدر است. این حالت، یک وسعت روحی و ظرفیت بالایی است که در شرایط دشوار و مشکلاتی که انسان قرار می‌گیرد، تفکر عمیق و افزایش بصیرت را ایجاد می‌کند. برای هر انسانی این لازم است. اگر نداشته باشد توفیقی در بسیاری از مسائل و عبادات نخواهد داشت.

برخی از انسان‌ها وسعت دید و گشاده‌رویی و ضمیر فراخ و نهاد پروسستی دارند که پذیرش هر واقعه‌ای هرچقدر بزرگ را دارند. برخی چنان روح تنگ و محدودی دارند که هیچ حقیقتی نافذ در روحشان نخواهد بود. آفق دید آن‌ها کوتاه و به مسائل مالی و روزانه محدود می‌شود. افراد دارای شرح صدر بالا و روح بلند در مواجهه با مصائب و سختی‌ها با روی باز برخورد می‌کنند. وسعت روح و شرح صدر یکی از نعمت‌های بزرگ است. خدا وقتی پیامبر را معرفی می‌کند، منت بر او می‌گذارد از شرح صدری که به او داده سخن می‌گوید «ألم نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ...».

شرح صدر خیلی مسئله مهمی است که از آن به عنوان نعمت یاد شده...خدا کسی را که می‌خواهد هدایت کند به او شرح صدر می‌دهد. این مقدمه هدایت است، راز برتری که دین اسلام بر سایر ادیان دارد، همین حالت شرح صدر است.

می‌آید توی گوشم بیج می‌کند. بی اختیار ورنادانزش می‌کنم و بعد قاب سفید روی شومینه را، چرا خودم حدس نزنم؟ باید می‌فهمیدم عمه ترنج فراتر از عمه است برایش. باید فوری دست‌گیرم می‌شد او به آن آدم‌ها ربط بیشتری دارد. اینکه مادرش، دختر خندان بالای سر ترنج جان است. همان‌که از همه بزرگ‌تر است.

#### ■ سنجاق

مولا علی علیه السلام می‌فرمایند: اینار نهایت نیکوکاری است.

مشغول تدارکات افطاریم و بسته‌های شکلات و خرما و پنیر و نان و سبزی و شله زرد را می‌پیچیم و می‌چینیم توی کازرتن‌ها. نذر مادر همکاران است که قسمت شده کمک کارش باشیم. مادر نازنینی که دو سال پیش کرونا او را از ما گرفت و امسال هم نذرش روی زمین نماند. نمی‌دانم چرا یک لحظه ذهنم دور نمی‌شود از قاب روی شومینه، از لباس گلدار یک شکل چین‌دار، کفش‌های ورنی، از دستان مهربان ترنج جان و خنده‌های کودکانه‌ای که واقعی‌اند. وقت خداحافظی و پایان کار، همکارم

کهنه نمیشن. این خانم، خانوم خانومی فامیل ماست. عمه‌ام «ترنج جان». داستان عمرش اونقدر قشنگ و واقعی و درست و حساسیه که شبیه قصه‌های خیالیه. شبیه ژمانه. این بچه‌ها که دوروبرش ایستادن، برادرزاده هاشن. تازه از رخت سیاه پدرمادرشون درآورده بودن، که عمه اونا رو ریسه کرده عکاسخونه. ترنج جان هیچ‌وقت ازدواج نکرد. نشست ثمره‌های برادرخدا بیا برنش بزرگ کرد. با خیاطی، با مزرعه داری. میگن نداشت آب تو دل پنج‌تا یتیم داداشش تکون بخوره...».

**رقیه توسلی** | عکسی دسته جمعی است. مادر، پسری دو ساله، دختری یازده ساله، دختری ۹ ساله و دختری ۶ ساله به‌گمانم. روی شومینه پُر از قاب است، قاب‌های تک عکس و دو عکس و چندنفره، اما این قاب از همه شان گیراتر و جاندارتر است. بیننده را جذب می‌کند. به آسانی می‌شود حال خوب آدم‌های توی تصویر را حس کرد. مبهوت عکسم که همکارم از اتاق برمی‌گردد. می‌پرسم از این عکس برامون میگی عزیزم؟ گل از گلش می‌شکفتد و می‌گوید: بچا میگی. واقعاً بعضی آدم‌ها و سرنوشتا هیچ‌وقت خدا

**تربیت زنده‌گی**

**ترنج جان**







